

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ  
خدایا! بر پیامبر و دودمان پاکش درود فرست، و آنگاه که تو را می‌خوانم و صدایت می‌زنم، صدا و دعایم را  
بشنو و اجابت کن، و آنگاه که با تو نجوا می‌کنم، بر من عنایت کن

فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَّابِي  
من از همه به سوی تو گریخته و در پیشگاه تو ایستادم، در حالی که دلشکسته و نالان درگاه توام و به پاداش  
تو امیدوار

وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَتَخْبُرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْفَلِي وَتَوَّايَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ  
مِنْ مَنَاطِقِي وَأَنْفَوَهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي  
آنچه را در دل من می‌گذرد می‌دانی، از نیاز من آگاهی، ضمیر و درونم را می‌شناسی و فرجام و سرانجام  
زندگی و مرگم از تو پنهان نیست. آنچه را که می‌خواهم بر زبان آورم و از خواسته‌ام سخن بگویم و به حسن  
عاقبتم امید بندم، همه را می‌دانی

وَقَدْ جَرَتِ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي وَبَيْدِ غَيْرِكَ  
زِلَاطَتِي وَنَفْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي  
در آنچه تا پایان عمرم و از نهان و آشکارم خواهد بود، قلم تقدیرت نافذ و جاری است و افزونی و کاهشم و  
سود و زیانم، تنها به دست توست

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي  
خدایا! اگر محروم سازی، کیست که روزیم دهد؟ و اگر خوارم کنی، کیست که یاریم کند؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ  
خدایا! از خشم و فرا رسیدن غضبت، به خودت پناه می‌آورم

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعْيِكَ  
خدایا! اگر شایسته رحمت تو نیستم، تو سزاواری که رحمت گسترده‌ات را بر من عطا کنی

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ [إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَأَقْفَهُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظْلَمَهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ] [فَفَعَلْتَ  
خدایا! گویا چنانم که در پیشگاه لطف تو ایستادم و سایه‌سار توکل نیکویم بر من بال گشوده و آنچه را تو  
شایسته آنی گفته‌ای و مرا در هاله‌ای از بخشایش خویش پوشانده‌ای

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلِي مِنْكَ بِذَلِكَ  
خدایا! اگر ببخشایی، کیست که از تو سزاوارتر به عفو باشد؟

يَذُنُّ مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيَلَتِي] وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجْلِي وَلَمْ يُذْنِبِي  
و اگر اجلم فرا رسیده و کار شایسته‌ای نداشته‌ام که مرا به تو نزدیک سازد، اعتراف به گناه را وسیله آمرزش  
تو ساختم

إلهي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَعْفُورَ لَهَا  
خداوندا! با مهلت و میدانی که به نفس داده‌ام، بر خویش ستم کرده‌ام، پس اگر مرا نیامرزی، پس وای بر من

إلهي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَلَيَّ فِي مَمَاتِي  
خدایا! همواره در طول زندگی، از لطف و احسانت برخوردار بوده‌ام، پس از مرگ هم، لطف خویش از من  
دریغ مدار.

إلهي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلِّني [تُوَلِّني] إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي خدایا! چگونه  
مایوس باشم از اینکه پس از مرگ هم نگاه لطف و احسان تو بر من خواهد بود، در حالی که در طول حیاتم، با  
من جز احسان و نیکی نکرده‌ای.

إلهي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ  
(خدایا! کار مرا آنگونه به سامان برسان که تو سزاوار آنی (نه آن سان که من در خور آنم

وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهْلُهُ  
و با بزرگواریت، به من عنایت کن، بر گناهکاری که در لجه جهل خویش فرو رفته است

إلهي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ [إِذْ لَمْ] إلهي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أُحَوِّجُ إِلَيَّ سِتْرَهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرِي  
تُظْهِرُهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُءُوسَ الْأَشْهَادِ  
در دنیا گناهانی را بر من پوشانده‌ای که در آخرت، نیازمندترم که پرده پوشش خود را بر آنها افکنی. خدایا!  
چون گناهانم را پوشانیدی و بر هیچ یک از بندگان شایسته‌ات فلش نساختی، بر من نیکی کردی، خدایا، پس در  
روز قیامت نیز رسوای خلائقم مگردان.

إلهي جُودُكَ بَسَطَ أَمْلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِي  
خدایا جود و بخشش تو، دامنه آرزوهایم را گسترده است و بخشایش تو، برتر از عمل من است

إلهي فَسَرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ خدایا! آن روز که میان بندگانته داور می‌پردازی، با دیدار  
چهره رافت خود، مسرورم ساز.

إلهي اعْتَذَارِي إِلَيْكَ اعْتِدَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قُبُولِ عُدْرِهِ فَاقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ  
خدایا! پوزش‌طلبی من به درگاهت، عذرخواهی کسی است که از عذرپذیری تو بی‌نیاز نیست، پس عذر من را  
بپذیر، ای کریمترین بزرگواری که زشتکاران، به درگاهش عذر گناه می‌برند

إلهي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَ لَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمْلِي  
پروردگار من! حاجت و نیازم را رد مکن و دست امید و آرزویم را از درگاه خویش، کوتاه مگردان

إلهي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي  
خداوندا! اگر می‌خواستی خوارم کنی، هدایت نمی‌کردی. و اگر می‌خواستی رسوایم سازی، از عقوبت دنیا  
معافم نمی‌کردی

إلهي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ خدایا! باور ندارم که در حاجتی دست رد به

سینهام بزنی، حاجتی که عمر خویش را در پی آن گذراندم و عمری از تو طلبیدم.

إلهي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَرِيدُ وَ لَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى  
خدایا! ستایش ابدی و ثنای سرمدی تنها از آن توست، سپاسی همواره فزاینده و بی‌کم و کاست، آنگونه که تو دوست داری و می‌پسندی.

إلهي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ  
خدایا! اگر مرا به جرمم بگیری، دست‌به‌دامان عفو تو می‌زنم.

وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَعْفُورَتِكَ  
و اگر مرا به گناهانم مؤاخذه کنی، تو را به بخشایش‌ت بازخواست می‌کنم.

وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحِبُّكَ  
اگر در دوزخم افکنی، به دوزخیان اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم.

إلهي إِنْ كَانَ صَعْرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي  
خدایا! اگر در کنار طاعتت، عملم کوچک است، امید و آرزویم بزرگ و بسیار است.

إلهي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخِيْبَةِ مَحْرُومًا وَ قَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ نَقَلِبَنِي بِالْجَاةِ مَرْحُومًا  
خدایا! از آستان تو چگونه تهیدست و محروم برگردم، با آنکه گمان نیک من نسبت‌به جود تو، آن است که نجات یافته و رحمت‌شده مرا باز گردانی.

إلهي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي شَرِّ السَّهْوِ عَنكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ النَّبَاعِدِ مِنْكَ إلهي فَلَمْ أُسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي  
بِكَ وَ رُكُونِي إِلَيْ سَبِيلِ سَخَطِكَ  
خدایا! عمرم را در رنج غفلت از تو تباه ساختم، جوانی‌ام را در سرمستی دوری از تو هدر دادم، خداوندا! آن روزها که به کرم تو مغرور شدم و راه خشم تو را سپردم، از خواب غفلت‌بیدار نگشتم.

إلهي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ  
پروردگارا! من بنده توام و زاده بنده تو. در آستان بزرگیت ایستاده‌ام و کرمت را وسیله تقرب به حضور تو قرار داده‌ام.

إلهي أَنَا عَبْدٌ أَنْتَصَلَ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوَاجُهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكِرْمِكَ  
خدایا! بنده‌ای زشتکارم که به عذرخواهی آمده‌ام، از نگاه تو شرم نداشته‌ام، اینک از تو بخشش می‌طلبم، چرا که عفو، صفت‌بزرگوار توست.

إلهي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَفْتٍ يُقِطُّنِي لِمَحَبَّتِكَ وَ كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ  
بِإِذْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْعَقْلَةِ عَنكَ  
آفریدگارا! توان آن نداشته‌ام که از نافرمانیت دست‌شویم، مگر آنگاه که به عشق و محبت‌خویش بیدارم تو را سپاس، که مرا در کرم خویش وارد کردی و دلم را از ساخته‌ای، یا آنگونه بودم که تو خود خواسته‌ای آایشها و کدورت‌های غفلت از خودت را پاک نمودی.

إلهي انظر إليّ نظرَ مَنْ نادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ  
پروردگارا! مرا بنگر، نگاه آنکه ندایش دادی پس پاسخت گفت، و به طاعتش فراخواندی و به یاریش گرفتی  
پس مطیع تو گشت

يَا قَرِيبَا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ وَيَا جَوَادَا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ  
ای خدای نزدیک؛ که از مغروران و فریفتگان دور نیستی، ای بخشنده‌ای که نسبت به امیدواران جود و بخشش،  
بخل نمی‌ورزی،

إلهي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْفُهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ نَظْرًا يُقَرِّبُكُمْ حَقُّهُ  
خدایا! مرا قلبی بخش که شوق و عشق، به تو نزدیکش سازد، و زبانی عطا کن که صداقت و راستی‌اش به  
درگاهت بالا رود و نگاهی بخش، که حقیقتش، زمین‌ساز قرب به تو گردد

خدایا! آنکه [إلهي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لَازَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ] مَمْلُول  
به تو معروف گردد، ناشناخته نیست، آنکه به تو پناه آورد، خوار و درمانده نیست، و آنکه تو، به او روی عنایت  
آوری برده دیگری نیست،

إلهي إِنَّ مَنْ اتَّهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ وَ إِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَ قَدْ لَدْتُ بِكَ يَا إلهي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ  
لَا تُحْجِبْنِي عَن رَأْفَتِكَ

خدایا! آنکه از تو راه را یافت، روشن شد و آنکه پناهنده تو شد، پناه یافت، خداوندا! من به تو پناه آورده‌ام، از  
رحمت‌خویش مایوس و محروم مساز و از رافت و مهربانیت محجوبم مگردان

إلهي أقمني في أهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك  
خداوندا! در میان اولیاء خویش، مرا مقام کسی بخش که آرزوی محبت افزون‌تر تو را دارد

إلهي وَ ألهمني ولها بذكرك إلي ذكرك وَ هممتي في روح نجاج أسمائك وَ محلّ فؤدك  
خدایا! مرا شیفته یاد خود ساز و همتم را در نشاط دستیابی به نامهایت و قرارگاه عظمت و قدست قرار بده

إلهي بك عليّ إلا ألحقتني بمحلّ أهل طاعتك وَ المثنوي الصالح من مرضاتك فإني لا أقدِرُ لنفسي دفعا وَ لا أمليكَ  
لها نفعا

خداوندا! تو را به خودت سوگند، که مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان و به منزلگاه شایسته و پسندیده خویش،  
رهنمون باش، که من، نه می‌توانم شری را از خویش دور سازم و نه سودی به خویش رسانم

إلهي أنا عبدك الضعيف المذنب وَ مملوكك المنيب [المعيب] فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وَ حجبته سهوه  
عن عفوكَ

کردگارا! من، بنده ناتوان و گنهکار توام و برده عیبناک تو، که بسویت آمده‌ام. پس مرا از آنان مگردان که  
چهره لطف خویش از آنان برگردانده‌ای و اشتباهاتشان حجاب بخشایش تو گشته است

إلهي هَبْ لِي كَمَالَ الانقطاع إليك وَ أزرْ أبصارَ قلوبنا بضياء نظرها إليك حتّي تخرق أبصارَ القلوب حجب النور  
فتصل إلي معدن العظمة وَ تصير أرواحنا معلقة بعزّ فؤدك

خدایا! مرا کمال گسستن از غیر و پیوستن به خودت عطا کن دیده دل‌هایمان را با فروغ نگاه به خود، روشن

سازتا دیده‌های بصیرت دل، حجابهای نور را از هم بر درد و به کانون عظمت برسد و جانهای ما آویخته درگاه  
عزت و قدس تو گردد.

إلهي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا  
خدایا! مرا از آنان قرار ده که ندایشان کردی، پاسخت گفتند و نگاهشان کردی، مدهوش جلال تو گشت، با آنان،  
راز گفتم و نجوا کردی، آشکارا برای تو کار کردند.

إلهي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَيَّ حُسْنَ ظَنِّي فَنُوطَ الْإِيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ  
خداوندا! هرگز نومیدی را بر حسن ظن خویش مسلط نساخته‌ام، و هرگز امیدم از کرم نیکو و زیبایی نگسته  
است.

إلهي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْفَطْتَنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلي عَلَيْكَ  
پروردگارا! اگر گناهان مرا در پیشگاه تو خوار و پست کرده، پس به سبب توکل و اعتماد نیکویم به تو، از من  
درگذر.

إلهي إِنْ حَطَّتْنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ  
آفریدگارا! اگر گناهان، مرا از لطف و الای تو دور ساخته، اما یقین به کرم و عنایتت، آگاه و امیدوارم ساخته  
است.

إلهي إِنْ أَنَامْتَنِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْاسْتِعْدَادِ لِلْقَائِكِ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آلَانِكَ  
خدایا! اگر خواب غفلت، از آمادگی برای دیدارت، باز داشته، معرفت به نعمتهای ارجمندت، بیدارم داشته است.

إلهي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ  
خداوندا! اگر عقوبت سنگین تو، به آتش دوزخم فرا می‌خواند، پاداش فراوانت، به بهشتم دعوت می‌کند.

إلهي فَلِكَ أَسْأَلُ وَ إِلَيْكَ أُنْبَهُلُ وَ أَرْغَبُ  
آفریدگارا! من از تو می‌خواهم و تنها به آستان تو دست نیاز برمی‌آورم و تو را خواستارم.

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَعْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ  
وَ لَا يَسْتَخْفُ بِأَمْرِكَ  
از تو می‌خواهم که بر محمد و دودمانش درود فرستی و مرا از آنان قرار دهی که همواره به یاد تو اند و پیمان  
تو را نمی‌شکنند و از سپاس تو غافل نمی‌شوند و فرمانت را سبک نمی‌شمرند.

إلهي وَ الْحَقْنِي بِثُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا وَ عَنِ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا  
خدایا! مرا به فروغ نشاطبخش عزت خود ببیوند تا تنها شناسای تو باشم و از غیر تو روی برتابم و تنها از تو  
ترسم و بیم تو داشته باشم.

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلِّمْ وَسَلِّمًا كَثِيرًا  
ای شکوهمند و بزرگوار! بر محمد و خاندان پاکش درود تو باد، و سلام بی‌پایان و بسیار.